



۲۰۱۶/۰۲/۰۴



میر عنایت الله آشفته

درس عبرت از حقایق تلخ گذشته، جلسات چهار جانبه و خطاب به نمایندگان پگواش

نهادهای و شخصیت‌های مستقل ملی، منطقه و جهان منجمله سازمان ملل متحد از مسایل سیاسی افغانستان آگاه و همه معترف اند که در اثر نزاع درونی نظام‌های افغانستان، بر سر غصب قدرت، آشوب‌های بوجود آمد که حوادث ناهنجار ۳۷ سال اخیر با کشمکش‌های داخلی، مداخله بیگانگان؛ اشغال را به دنبال داشت. دلیل اجرات عاقبت نااندیشانه و عجولانه ضد ملی عده‌ای از رهبران چپ و راست، که هیچ یک از مدعیان، به باورها و شعارهای از قبل ارائه شده خویشتن پایبند و وفادار باقی نماندند، استقلال کشور، عزت ملت و اعتبار شایسته‌ترین مبارزان آزادیخواه صدیق وطن خدشه دار، و به اثر تقابل هم؛ حالت موجود در کشور مستولی و مسلط گردید.

۱ - **حقایق تلخ داخلی**: منافع ملی، فدای منافع حزبی، تنظیمی، گروهی، قومی، سمتی، زبانی و مذهبی گردیده است.

۲ - وابستگی استخباراتی با خارجیها به اوج رسیده است.

۳ - عده‌ای از افراد دولت ناکام کابل و عده‌ای از مخالفان دولت به هیچ قیمتی حاضر به ختم جنگ و قطع خون ریزی نمی‌باشند. روی اهداف تعیین شده کشور‌های بیگانه؛ از احساسات پاک دینی، مذهبی، قومی، زبانی، سمتی و تعقیب ایدیولوژی‌های بیرونی، به دلیل عدم آگاهی مردم اسیر، سوء استفاده نموده به افراطی‌ترین شعارهای عوام فریبانه مردم؛ به خصوص جوانان را مسموم نموده و جنگ نیابتی کشور‌های رقیب را در افغانستان به پیش می‌برند.

۴ - **حقایق تلخ عوامل خارجی**: کشور‌های خارجی دور و نزدیک (اسلامی و غیر اسلامی) توانسته‌اند که ارزش‌های ملی، افغانستان را به اجزاء "سمت، قوم، زبان، مذهب" و . . . تقسیم و به نیابت از منافع خویش ذریعه پول، شهرت کاذب، سلاح، حمایت‌های معنوی و تبلیغاتی، افراد و حلقاتی را به نفع خویش در تقابل هم استخدام نمایند. در ۳۷ سال گذشته، حتی قبل از آن نیز رهبران سیاسی به دلایلی، ناکام و از آزمون ملی موفقانه بدر شده نتوانستند که جهت تداوم قدرت یا دست‌یابی به قدرت، هر نوع مانع داخلی چه خاندانی، چه درون‌حزبی (خلق، پرچم) چه تنظیمی (جهادی) چه (طالبی) و چه به اصطلاح تعدادی از تکنوکرات‌ها؟! فاسد تر از همه "از هیچ عمل خلاف ضد منافع علیاه کشور روگردان نبوده، حتی به قتل یک دیگر کمر همت بستند؛ آنهم با معاونت و صیانت بیگانه‌ها. دردآور است که اشتباهات رهبران ناکام، توسط بازمانده‌ها و نسل‌های جوان احزاب مسؤول و خرابکار؛ پیوستگی و تداوم دارد.

شخصیت‌های واقع بین هر دو طرف جنگ:

به تأکید مؤکد می‌نویسم که استقلال و آزادی، تعریف و معنی قرن گذشته را ندارد. منافع مشترک، استقلال سیاسی، اقتصادی کشورها را تحت شعاع قرار داده است. بزرگ‌ترین قدرتهای جهان بمنظور دست‌یابی به منافع ملی و اهداف استراتژیک خویش، وادار به گذشت، مصالحه، معامله، داد و ستد، امتیاز دهی و امتیاز گیری میشوند. بناءً ملت مؤمن، مسلمان، شجاع و ایثارگر ما بخصوص جوان‌های ما حق دارند به حکم تجارب علم و هنر سیاست، آن‌عده از رهبرانی را که جهت منافع شخصی یا گروهی خویش تأکید بر تداوم جنگ بی مفهوم برای تحقق اهداف بیگانه دارند؛ مورد مؤخذه قرار دهند. رهبران؟! تمیلی یا زعماء دو طرف جنگ در کشور بر مبنی کدام منطق، ملت سلحشور افغانستان را مسؤول فتح؟ و شکست ابر قدرت‌ها یا ناجی و منجی ایدیولوژی‌های بیگانه، در جهان تشخیص

داده اند؟ چه نیازی داشتیم یا داریم که برنده و بازنده شرق و غرب به قیمت خون جوانان مسلمان افغان و به قیمت برپادی کشور ما تثبیت گردد؟

چرا نابودی برادران هموطن خود را که مثل شما فکر نمی نمایند، سعادت خود و کشور میدانید؟ تا چه زمانی در بدل دریافت پول ناچیز یا حمایت مؤقت قدرت های بزرگ طماع، دشمن دائمی به کشور و نسل های بعدی خود می تراشیم. تجارب تلخ به ملت کوره دیده ما چندین بار در سطح کشور، منطقه و جهان به اثبات رسانیده است که دشمنان دیروز به دوستان سینه چاک امروز مبدل و دنبال منافع گروهی، سازش های مقطعی خود و کشور های خود بوده اند. بناءً خارج از حیطه منافع ملی، انتخاب دوست یا دشمن را، دور از عقلانیت میدانم. اینکه چهره های ناکام و معامله گر داخلی با سوء استفاده از آدرس جهاد مقدس ملت، خود را وارث خاک و دیگران را تروریست، بی دین، سیکویلا و . . . می خوانند، کار آنهاست.

هر انسان عاقل و عادل طی ۱۵ سال گذشته بوضاحت مشاهده نمود که به قدرت رسانیده شده (ها) اعم از جهادی و غیر جهادی (چه بی رحمانه به قوای ائتلاف در رأس امریکا، خود را دوست، همکار، مستحق، شایسته، مترقی و . . . جازده و مخالفان خویش را به صفت دشمن تحویل بیگانه ها نمودند. ۱۵ سال قبل اکثریت قاطع مردم غیر سیاسی و مخالفان، سقوط رژیم طالبان را مثبت ارزیابی نموده با پیشانی و آغوش باز هجوم قوت های بیگانه را خیرمقدم گفتند.

چرا و چگونه امروز، مع الوصف تزریق بیلیارد ها دالر، حضور امریکا + ناتو و ۴۹ کشور، اکثریت مردم از دولت، بی کفایت، غرق در فساد و ضد ملی متفرد اند؟ این در حالیست که مخالفان مسلح کوچکترین برخورد محبت آمیز و مسؤولانه در برابر ملت به گروگان گرفته شده خویش نداشته و ندارند. چرا معترف نیستید که تعدادی از شما دولتی ها، تعدادی از ترجمان های بیگانه پرست و تعدادی از مخالفان مسلح، مطلق ضد انسانیت و حقوق بشر عمل نموده اید. وقتی شما دو طرف درگیر افغان (وارث این سرزمین) چنین برخورد غیر انسانی، اسلامی و افغانی داشته باشید؛ از قوای بیگانه و سرباز متجاوز که برای دریافت معاش در سر زمین بیگانه، اراضی بیگانه از سایه خود هراس دارند چه گلایه باید داشت؟

با سوء استفاده از آدرس و نام مردم تا چه زمانی؟ اهداف ظالمانه تانرا به پیش می برید، چه منطقی را می خواهید بیان دارید؟ مردم پیش شرط طالبان را نمی پذیرد؟ مردم خواهان حفظ مندرجات قانون اساسی کشور اند؟ مردم می خواهند دولت از موقف قوی با مخالفان صحبت نماید؟ بسیار خوب. آیا اجازه دارم بپرسم شما دولتی ها از اولین روز به قدرت رسانیدن تان، قانونی را که خود به نفع تان ساختید رعایت نموده اید؟ در کدام ماده قانون غصب تمام امتیازات دولتی به شما داده شده است؟ کدام ماده قانون غصب دارای های عامه را به شما داده است؟ کدام ماده قانون نتایج انتخابات؟! را به ایجاد حکومت دومنزله مؤظف می سازد؟ وقتی در کنار غرب، ناتو و ۴۹ کشور، با تمام امکانات باد آورده شما از موقف قوی صحبت نمی توانید، و روزتا روز در انزوای داخلی و خارجی قرار می گیرید؛ کدام مردم شما را حمایت می نماید؟ مگر این مردم نیست که از بیکاری، فقر، استبداد، غصب جایداد ها، چور، غارت، تجاوز، بی قانونی و . . . هر روز جوقه جوقه رو به فرار هستند؟ مگر بیش از ۵۰۰ نفر از مردم در آبهای شور ابچار غرق نشدند؟ مگر بیش از ۱۵۴ هزار مردم اکثراً تحصیل یافته و جوان صرف به آلمان از اثر بی کفایتی دولت فرار نکرده اند؟ مگر بیش از نیم میلیون مردم در ۶ ماه اخیر فراری کشور های غربی نشده اند؟ دولت ناکام و غرق در فساد شما از کدام مردم صحبت و نمایندگی دارید؟

اعضاء محترم جلسه پگواش:

بدون شک پایان هر جنگی باید به میز مذاکره کشانیده شود. این قلم آزاد، بدون مدعا و ملیونها هموطن اسیر و داغدار وطن به صلح دوامدار، عادلانه و سرتاسری که به ثبات، عزت و آزادی ملت مسلمان و متضرر بانجامد چشم امید دوخته اند. آیا در ترکیب اعضای محترم جلسه دو روزه مقیم بوجه، شخصیت های موحد، مؤمن، شجاع، مستقل و با شهامت وجود داشت که گفته باشد عامل اصلی بحران دو طرف درگیر جنگ، خون ریزی مردم اسیر و بیگانه و سیاه روزی ملت؛ شما دو طرف جنگ استید؟

آیا چهره های که طی ۳۷ سال گذشته به خصوص طی ۱۴ سال اشغال اخیر با مسؤولیت های بلند دولتی در اسارت مردم، وطن فروشی، نقش رهبری و مقامات بلند دولتی را داشتند؛ معترف شدند که ما عامل تداوم بدبختی ملت خود شده ایم؟

شما نمایندگان "طالبان" چگونه دلیل موجه داشتید که خلاف گفتار، اعمال و کردار گذشته آنهایکه در ۱۴ سال حاکمیت فاسد نقش داشتند؛ برای پایان بخشیدن آلام درد های ملت و آزادی کشور با افراد آزمون شده؛ مذاکره نمایید؟ آیا این حقیقت اذعان گردید که به شکلی از اشکال شما دو طرف درگیر، باعث تداوم جنگ نیابتی بیگانه ها بوده، ضد منافع ملی و ضد اسلام؛ افراد غیر نظامی و ملکی را به شهادت میرسانید؟ دارایی های عامه را نابود می سازید؟ آیا توافق نظر وجود داشت که در دو طرف درگیر چهره های بد نام و جنگ طلب جهت تداوم منافع شخصی خود و منافع اجانب، حاضر به مصالحه نیستند؟ آیا دو طرف درگیر به این حقیقت تلخ معترف گردیدند که هیچ طرف مدعی، استقلال کامل و عمل به نفع کشور ندارند؟

کاش حداقل چند شخصیت مستقل و ملی گرای غیر جانبدار، آگاه، منور، مؤمن، شجاع، آزیخواه، حقوق، متعهد به وطن و ملت و آشنا به عمل و هنر سیاست که دستش در رژیم های ضد مردمی گذشته و اتهامات ضد ملی ملوث نبود، در همچو جلسات منحیث افراد ثالث بلخیر حضور میداشتند که بدون چشم داشت و انتظاری از موضع و سنگر ملی، به زورمندان دو طرف مدعی، مسؤولیت ها و وجایب ملی و اسلامی شان را دور از حُب و بُغض و ترس بیان کرده می توانست .

آیا زمان آن فرا نرسیده است که دو طرف درگیر به این حقیقت معترف شوند که: صرف خود افغانها میتوانند با درک از حقایق و منافع علیای کشور پشتون، تاجک، ازبک، هزاره و . . . به شمول هندو باوران افغان، در محور منافع علیاء کشور، ارزش های ملی و اسلامی دور هم دور از آزمون شده های چپ و راست متهم به جهاد فروشی، قوم فروشی، زبان فروشی، سمت فروشی، خاک فروشی، بیرق فروشی و حتی خود فروشی جمع شوند؟ و در یک تفاهم ملی، منطقه ای و جهانی یک حکومت مشروع قابل قبول همه، متکی به ملت، تحقق قانون یکسان و عدالت برای همه اتباع مظلوم افغانستان در نتیجه مذاکرات چارجانبه؛ بوجود آید؟

گلایه و شکوه از بیگانه ها، ما را به جایی نمی رساند. جامعه جهانی این کند و پاکستان باید چنان کند؛ دیگر معنی ندارد . هیچ گریه ای، خاص به رضای خدا موش نمی گیرد.

اسلامی ورور گلوي او تولنيز عدالت د ملی یووالي ضامن دي!
افغانستان دتولو افغانانو گد کور دي!